

## واکاوی تحولات مرزی بلوچستان در دوره ناصری با تکیه بر اقدامات انگلیسی ها و خان کلات

علی پرورش رامکی<sup>۱</sup>  
پرویز رئیسی<sup>۲</sup>

### چکیده

بلوچستان که در جنوب شرقی ایران واقع شده، تاریخ و فرهنگ مشترکی با ایران داشته است. اما به دلیل شرایط جغرافیایی خشک منطقه بلوچستان در ادوار مختلف تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در دوره قاجاریه، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه، قدرت های اروپایی برای دستیابی به هندوستان مستعمره انگلیس که هم مرز با بلوچستان بود، رقابت گسترده ای را آغاز کرده بودند. نقطه ای از بلوچستان که کنترل آن برای دولت انگلیس اهمیت استراتژیکی و ژئوپلتیکی داشت، منطقه کلات بود. با بی توجهی حکومت ایران به قسمت بلوچستان، انگلیسی ها با سیاست اسعمار ی خود توانستند خان کلات را تحت الحمایه خویش نمایند. از طرفی با ضعف دولت ایران، خان کلات که از نظر سیاسی در حاشیه قرار داشت تمایلات گریز از مرکز خود را تقویت کرد و به دنبال آن دخالت دولت انگلیس در این منطقه، گرایش جدایی طلبی خان کلات را تشدید نمود و از طرف انگلیسی ها مورد حمایت قرار گرفت. در حقیقت انگلیسی ها با راهبردهای مختلف سعی در ایجاد حریم حفاظتی برای هندوستان بودند. یکی از این راه ها بهره گیری از خان های بلوچستان و کلات بود. دیگر اینکه نباید ویژگی های مذهبی و ساختار اجتماعی ایلی و عشیره ای که بر بلوچستان حاکم بود، در جدایی قسمتی از بلوچستان ایران را نادیده گرفت. همچنین وابستگی و جدایی طلبی خان کلات نسبت به دولت ایران و انگلیسی ها را بر اساس منافع که در این دوره عاید آن می شود ارزیابی کرد. از این منظر تقسیم بلوچستان در این دوره قابل توجیه می باشد.

**کلیدواژه ها:** ایران، انگلیس، بلوچستان، خان کلات، مرز.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی. aliparvareh68@gmail.com

<sup>۲</sup>. معلم و فوق لیسانس فلسفه و حکمت اسلامی. samdrausi1367@yahoo.com

## The Balochistan Transformation Declaration in the Naseri Period, relying on the British and Khan Kalat initiatives

### Abstract:

Balochistan, located in the south-east of Iran, has had a common history and culture with Iran. However, due to the dry geographical conditions of the Balochistan region, it has been underestimated in various historical periods. During the Qajar period, especially during the period of Nasir al-Din king, European powers began a major rivalry to reach India, the British colony, which bordered Balochistan. The Balochistan point was the Balochistan, whose control for the British government had strategic and geopolitical significance. With the Iranian government's neglect of the Baluchistan region, the British were able to protect Khan Kalat as their capitalist policies. On the other hand, with the weakness of the Iranian government, the politically marginal Khan Kalat strengthened the escapades of its center, and the subsequent intervention of the British government in this region intensified the separatist tendency of Khan Kalat, and the British Was supported. In fact, the British were trying to create a protective environment for India with different strategies. One of these ways was the use of the Khanate of Balochistan and Kalat. Moreover, the religious and social characteristics of the tribal elite that governed Baluchistan should not be ignored in the separation of parts of Balochistan. He also assessed Khan Kalat's dependence and separation from the Iranian government and the British on the basis of the benefits it gained during this period. From this perspective, the division of Balochistan is justified in this period.

**Keywords:** Iran, Britain, Balochistan, Khan Kalat, border.

### مقدمه

بلوچستان در دوره قاجاریه که از نظر تاریخی و سیاسی به دلیل موقعیت جغرافیایی آن در انزوا قرار گرفته بود، در این دوره به دلیل اهمیت هندوستان مستعمره انگلیس، بلوچستان نیز به موازات آن اهمیت پیدا می کند. دیگر اینکه نباید جدا کردن افغانستان، تقسیم بلوچستان و سیستان از سرزمین ایران را با علت و زمینه های مختلف بررسی کرد، بلکه آن ها را در اجرای یک طرح و هدف واحدی برای تأمین امنیت هند با سیاست

های استعماری و استثماری انگلیس، با وسیله قرار دادن خان کلات که تحت الحمایه آن بود بررسی نمود. که از تحولات بین‌المللی و اقدامات روسیه در آسیای مرکزی نیز تأثیر می پذیرفت. فعالیت های خان کلات و سیاست های انگلیس در ارتباط با تحولات مرزی بلوچستان دوره ناصری معلول چه عواملی است؟ سیاست های استعماری انگلیس و روسیه در تقسیم بلوچستان از خاک ایران چه تأثیری داشت؟ واکنش خان کلات در مقابل تحولات مرزی بلوچستان چگونه بود؟

دوره پر التهاب تاریخ ایران پس از عهدنامه پاریس که جدایی افغانستان را در پی داشت. واکاوی مسئله تقسیم بلوچستان توسط انگلیسی ها که خان کلات با آن همراهی می کرد حائز اهمیت می نماید. برای بررسی تحولات مرزی بلوچستان، اگر فقط مسبب آن را سیاست استعماری انگلیس بدانیم یک نوع سطحی نگری به نظر می رسد. از این منظر در پژوهش پیش رو، به صورت همه جانبه به تمامی ابعاد مسئله تقسیم بلوچستان پرداخته می شود. بنابراین علاوه بر سیاست انگلیس به شرایط اجتماعی و مذهبی بلوچستان، نیز راهبردهای دولت ایران نسبت به آن منطقه، از جمله عواملی هستند که در تحولات مرزی بلوچستان تأثیر داشته اند، مورد توجه قرار می گیرد. در جمع آوری اطلاعات و داده های تحقیق از شیوه کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده و منابع را با توجه به میزان اهمیت آن ها بهره گرفته می شود. در واپژوهی تحولات مرزی بلوچستان، با نگرش همه جانبه نگرانه از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی در ثبت مطالب استفاده می گردد.

### مرز

در ایران قبل از قاجار به جای مرز از واژه سرحد استفاده می کردند و مرز از قرن ۱۸ م به بعد جایگزین سرحد شد. مرز را محدوده جغرافیایی دانست، که دولت یک کشور در آن چارچوب و قالب می تواند اعمال قدرت نماید. البته باید توجه داشت، برداشت مرز نشینان از مرز با دولت ها و مرکز نشینان از آن متفاوت است. در این رابطه عظیم شه بخش معتقد است؛ دولتمردان و افراد مرکز کشور معمولا مردم آنسوی مرز را افراد بیگانه و دارای فرهنگ متفاوت تصور می کنند. این در حالی است که مرز نشینان، افراد آن طرف مرز در کشور همسایه را هم خون و دارای فرهنگ و تاریخ مشترک می پندارند. (شه بخش، ۱۳۷۷: ۵۲) بنابر این مرز در بین افراد یک کشور جایگاه متفاوتی دارد. از این منظر نقش آن نیز برای افراد در مناطق مختلف فرق می کند.

برخی به مرز از منظر کارکردی توجه کرده اند و نگاه دو وجهی (مثبت و منفی) به مرز دارند. محمد حیدری معتقد است، که در مواقع بحرانی مرزها پاشنه آشیل هستند که

کانون تهدید از بیرون و نقطه آسیب پذیر برای حاکمیت دولت‌ها دانست، دیگر اینکه از بعد روابط تجاری و فرهنگی مرز برای کشورها حائز اهمیت می‌باشد. (حیدری، علمداری و فتاحی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) ایران و مرزهای آن در دوره قاجاریه، بخصوص زمان ناصرالدین شاه، از این قضیه مستثنا نیست. زیرا بلوچستان در ایران این دوره دارای مرزهای وسیعی با هند بود و از طرفی هند در ابعاد و امور مختلف تحت سیطره استعماری دولت انگلیس قرار داشت، بدون شک تهدیدهایی را متوجه مرزهای ایران که از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی ضعیف بود، می‌کرد.

### تاریخچه نفوذ انگلیس در بلوچستان:

ارتباط انگلیس با خان‌های بلوچستان از سال ۱۸۳۸ م آغاز می‌شود. نماینده آن لیوتنان لیچ (Lieutenant Leech) با مهرباب خان حاکم کلات پیمانی منعقد می‌کند. ولی مهرباب خان به شرایط آن پایبند نشد، که بعداً در درگیری با انگلیسی‌ها کشته می‌شود. تا اینکه در سال ۱۸۴۱ م ناصر خان پسر مهرباب خان را به عنوان حاکم کلات، توسط انگلیسی‌ها پذیرفته می‌شود. از این زمان که دولت انگلیس سرزمین سند را متصرف شد، بیش از پیش به بلوچستان و مرزهای آن توجه نشان دادند. در این بین تا سال ۱۸۶۵ م، سر چالز ناپیر (Sir Charles Napier)، مائور جاکوب (Major Jacob) و مستر فرر (Mr. Ferrer) ملاقات‌های رسمی و غیررسمی به طور دوستانه با خان کلات داشته‌اند و از سال ۱۸۶۵ م مائور هنری گرین (Major Henry Green) از طرف دولت انگلیس در دربار ناصرخان مقیم شدند. (محمود، ۱۳۲۹: ۷۲۲ و ۷۲۱) وی مسئولیت داشت تا درباره مرزها و موقعیت بلوچستان برای راهبردهای آن دولت گزارشی را ارائه دهد. (سپاهی، ۱۳۷۲: ۵۱) از قضا در همین سال قضیه هرات پیش می‌آید. که موجب اولتیماتوم و حمله انگلیسی‌ها به بوشهر و جنوب ایران، در نهایت با انعقاد قرارداد پاریس تحت فشار انگلیس افغانستان از ایران جدا می‌گردد. انگلیس بعد از تصرف سرزمین سند و نفوذ در بین خان‌ها و حاکم افغانستان، دوست محمد خان، یک گام دیگر جهت تحدید کردن مرزهای بلوچستان در سرزمین ایران نزدیک تر شدند. آن دولت با طرح از پیش کارشناسی شده، از اوضاع خان‌خانی و ایلپاتی آن روز در سرزمین بلوچستان نهایت بهره را برای پیش برد اهداف استعماری خود در هند و ایران برد. البته نباید انعطاف و سازش معنا دار خان کلات برای قرار گرفتن در زیر چتر حمایتی انگلیس، نادیده گرفت.

### بلوچستان در دوره ناصری

ایالت بلوچستان که در این دوره یکی از وسیع‌ترین ایالت‌های ایران بود. مرزهای آن از شرق به سند، در غرب به کرمان، از شمال تا سیستان و در جنوب به دریای عمان و

اقیانوس هند ختم می شد. با این وجود، اداره این ناحیه را حکومت مرکزی به حاکمان کرمان سپرده بود. که آن ها در این منطقه سیاستی، جز سرکوب و فشار نداشتند، این امر سبب گرایش برخی از خوانین محلی به انگلیسی ها گردید. ( مرادی، وزین افضل، ۱۳۹۳: ۲۴۸) اگر چه آدمیت معتقد است؛ در دوره ناصری بخصوص زمان امیر کبیر سراسر بلوچستان تا مرز سند، مورد توجه دولت مرکزی قرار گرفته تا امنیت را بر آن مناطق حاکم کند. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۴۷ و ۲۴۸) البته باید در نظر داشت، اقدامات عملی برای سامان دادن آن صورت نگرفت. زیرا این از آنجا معلوم می شد، که در تعیین خطوط مرزی بلوچستان، واکنش دولت در برابر آن نا چیز بود.



محدوده جغرافیایی بلوچستان قبل از روی کار آمدن ناصرالدین شاه. ( Is Britain complicit in human rights violations in Baluchistan?)

نفوذ دولت ایران در دوره قاجاریه بر بلوچستان کاهش می یابد. تنها تا بمپور بود، که کنترل کمی داشت و نمی توانست در مکران ناحیه جنوب شرقی خود چندان کنترلی داشته باشد. (محمود، ۱۳۲۹: ۷۴۱) در دوره قاجار منطقه بلوچستان به دلیل شرایط

اقلیمی و موقعیت جغرافیایی که وجود داشته، خان های بلوچ توسط انگلیسی ها به وسیله ثروت و قدرت خود اغفال می کرد. به هر حال در دوره ناصرالدین شاه که نیروهای روسیه به سمت شمال شرقی ایران و مرزهای هند در حال پیش روی بودند. انگلیسی ها سعی می کردند، به طور مستقیم منطقه کلات را به کنترل خود در آورند. (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۱۲۹) در نتیجه نظارت و نفوذ کم دولت ایران در منطقه بلوچستان و وابسته نبودن خان های بلوچ مخصوصاً خان کلات به آن، باعث شد تا به طرف انگلیس روی آورده و وابستگی مالی و سیاسی پیدا کند. انگلیسی ها در این دوره به هیچ چیزی جز برنامه استعماری خود اهمیت قائل نبودند، در هر صورت آن دولت از ناکارآمدی سیاست مداران ایران در آن دوره بهره کافی را بردند.

### شرایط اجتماعی بلوچستان

هر چند مشترکات قوم بلوچ و مردم بلوچستان با تاریخ و فرهنگ ایران زیاد است. اما از نظر گویش زبانی و مذهبی تفاوت های مخصوصی نسبت به کل جامعه ایران دارند. این امر ضرورت می طلبد که برای بررسی برخی از تحولات جغرافیایی به امور مذهبی و بافت های اجتماعی آن نیز توجه لازم را میدول داریم. از این رو بلوچستان که اکثریت دارای مذهب تسنن، متفاوت با مذهب رسمی شیعه حکومت در دوره ناصرالدین شاه داشتند. همچنین شاکیله های اجتماعی که بافت جامعه آن روز بلوچستان را انتظام می بخشید و روابط افراد بر اساس قواعد ایلی و عشیره ای صورت می گرفت. در حقیقت مردم وابسته به طایفه و خان خود بودند و خان کلات که این زمان تحت الحمایه دولت انگلیس می گردد، با توجه به بافت جامعه بلوچستان آن روز خان کلات را می توان نماینده مردم آن ناحیه دانست. همچنین در حاشیه قرار گرفتن بلوچستان از نظر سیاسی، تمایلات گریز از مرکز را در خان کلات که دور ترین نقطه از پایتخت قرار داشت، تقویت می کرد.

### اهمیت بلوچستان در این دوره

بلوچستان در تهاجم به ایران تنها نقطه امن تاریخ می باشد، که تاکنون هیچ تهاجمی از این منطقه به ایران صورت نگرفته بود. (همان: ۱۲۰) توجه انگلیس بعد از جدایی افغانستان از ایران به چند ایالت از جمله؛ سیستان، خلیج فارس، بلوچستان و خوزستان بود. (محمود، ۱۳۲۹: ۶۸۵) از مراکز مورد توجه انگلیس در این دوره می توان نتیجه گرفت، که این دولت در پی ایجاد منطقه ای حایل برای حفظ هندوستان بود برنامه از پیش طراحی شده در سرزمین و مرزهای ایران مجاور هند را به اجرا می گذارد. اهمیت مسائل و رویدادهای بلوچستان به درک درست موقعیت جغرافیایی، زمانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن وابسته است. (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۱۲۴) سیاست مداران انگلیس

به این مهم پی برده و از این شرایط ژئوپولیتیکی و استراتژیکی بلوچستان بهره می بردند. به عبارت دیگر رخداد‌های بین‌المللی از جمله دست نیافتن انگلیس به اهداف خود در جنگ های کریمه مقابل روسیه و قدرت گیری روزافزون آلمان در آن دوره به اهمیت بلوچستان افزود. نیز از نظر ارتباط تلگرافی اروپا و هند، بلوچستان مناسب ترین موقعیت را از نظر اشراف بر خط تحت البحری و زمینی داشت، می توانست فاصله سه ماهه خبری از کلکته تا لندن را به ده روز کاهش دهد. (همان: ۱۲۹)

از نظر اقتصادی سرزمین بلوچستان برای انگلیسی ها نسبت به سایر مناطق ایران امتیاز خاصی داشت، زیرا مرز مشترک بلوچستان با هند، ارتباط مستقیم با ایران را برای انگلیس در تقابل و رقابت تجاری با روسیه را فراهم می نمود. از طرف دیگر جاده ای که از هند تا کوئته و نصرت آباد بین سال های ۱۸۹۱-۱۹۰۱ م احداث شد، انگلیس ترانزیت مستقیم کالا بین هند و ایران را به دست آورد. از مزایایی که روسیه در تجارت و انتقال کالا به دلیلی هم مرزی با ایران در شمال بهره مند بود، انگلیسی ها در بلوچستان این مهم را برای خود مهیا کردند. (لیتن، ۱۳۶۷: ۸۶ و ۸۷) در هر صورت باید یادآوری کرد که منطقه بلوچستان دارای آب و هوای گرم و خشک و کم باران می باشد. اما به دلیل اهمیت هند برای انگلیس در این دوره، به لحاظ امنیتی و اقتصادی اهمیت پیدا می کند. در نتیجه مهم شدن بلوچستان برای انگلیس علاوه بر اینکه نفوذ استعماری آن را در بلوچستان گسترش داد، موجب تقسیم آن گردید. در واقع بلوچستان یک سپر دفاعی برای حفظ هندوستان گردید.

#### هندوستان رؤیای همه قدرت ها

هند در سال ۱۶۶۲ م در دوره چارلز دوم از دست پرتغالی ها خارج شد و انگلیسی ها در آن نفوذ یافتند. (نیکبختی، ۱۳۷۴: ۶۳) بعد از اینکه عهدنامه فین کنشتاین در سال ۱۸۰۷ م ارتباط بین فرانسه و ایران با هدف ضربه زدن به انگلیس و مستعمره آن هند بسته شد. (وزارت خارجه، ۱۳۵۰: ۱۳۵۲) چون انگلیس می دانست که از راه دریایی کسی قادر به ضربه زدن به آن ها نخواهد بود، در خشکی نیز یک سری برنامه هایی برای حفظ هندوستان از جمله؛ ایجاد سپر دفاعی یعنی منطقه حایل بین ایران و هند را در پیش گرفت؛ زیرا از قرار دار فین کنشتاین به بعد ایران را قابل اعتماد نمی دانست، هر آن احتمال می داد که در صورت پیدایش یک قدرت برتر به آن روی آورد. دولت های بزرگ اروپایی فرانسه، روسیه و آلمان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، هر یک در زمان های مختلف در صدد دستیابی به هند، سود آور ترین مستعمره انگلیس بودند. (کریمی پور،

۱۳۲۱: ۱۲۵) بنابراین کنترل بر هند تعاملات بین قدرت‌ها را بر هم می‌زد. تا جایی که انگلیس را بر آن داشت در محدوده مرزهای هندوستان دست به اقدامات توسعه طلبانه، استعماری، تحکم، یک طرفه و پیش‌گیرانه بزند. که چشم‌انداز جغرافیای سیاسی آن مناطق، از جمل مرزهای بلوچستان در سرزمین ایران را تغییر دهد و مشکلات جبران‌ناپذیری را برای آن مناطق به بار آورد.

### بینش حکومت ایران نسبت به انگلیس

دولت ایران اکثراً با دیده شک و هراس با انگلیس ارتباط برقرار می‌کرد. ترس از اینکه سرنوشتی شبیه هند پیدا کند. آنچه دیگر از نظر دولت ایران مخاطره‌آمیز می‌نمود، مسئله تحت‌الحمایگی اتباع ایرانی نسبت به انگلیسی‌ها بود. (بیانی، ۱۳۷۵: ۱۸۸) زمانی که ایران در دوره ناصرالدین شاه به هرات حمله شد، در مقابل واکنش انگلیسی‌ها دوام نیاورد. تا جایی که در سال ۱۸۵۶ م دولت ایران برای رهایی از قید و بند آن دولت، با نماینده آمریکا در استانبول پیمان دوستی منعقد کرد و مقامات بلندپایه‌ای از آمریکا هم به دربار ناصرالدین شاه می‌آیند، اما به دلیل فشار انگلیسی‌ها به آن کشور این پیمان تحقق نیافت. (امانت، ۱۳۸۳: ۳۸۷ و ۳۸۸) به هر حال مقامات دولت ایران در مقام ضعف و دید محدود خود در مسائل مربوط به تعیین مرز، افغانستان، بلوچستان و سیستان با دولت انگلیس وارد مذاکره می‌شدند. نتیجه آن هم تقسیم بلوچستان، سیستان، مستقل شدن افغانستان و جدا شدن بخش اعظمی از خاک ایران را در پی داشت. این در حالی بود که ایران قربانی می‌شد و انگلیس اهداف استعماری خود را به پیش می‌برد.

### بدعهدی انگلیسی‌ها در این زمان

دولت انگلیس در عهدنامه پاریس تعهد کرده بود، که تمام توان خود را به کار خواهد برد تا بر دولت ایران هیچ‌گونه تشویشی از طرف افغان‌ها ایجاد نشود و در صورت دست‌اندازی آن‌ها مسئله را مطابق صلاح ایران حل خواهد نماید. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۴۵۲) همان‌طور که می‌دانیم بعد از عهدنامه پاریس و مستقل شدن افغانستان، امیر آن شیرعلی خان تاخت و تاز خود را به سیستان و شمال بلوچستان آغاز کرد و موجب درگیری با دولت ایران در این مناطق شده، مقدمات جدایی بخشی از این نواحی را فراهم آورد. دولت انگلیس بر خلاف عهدنامه پاریس، نه تنها به صلاح ایران مداخله نه نمود، بلکه به صلاح خود، متحدان افغان و بلوچ خود در این پیش‌آمدها و دست‌اندازی حمایت می‌نماید. بلکه قسمتی دیگر از خاک بلوچستان و سیستان ایران را برای مطامع خود جدا می‌کند.

### نقش روسیه در تقسیم بلوچستان



روسیه در تقسیم بلوچستان به طور غیرمستقیم تأثیر داشت؛ زیرا از زمانی که جنگ های کریمه را با پیروزی پشت سر گذاشته بودند به سوی هند پیش روی نمود. در این دوره دولت روس و انگلیس مستقلاً سیاست خود را در آسیا به اجرا می گذاردند. (تاج بخش، ۱۳۶۲: ۲۷۱) کرزن در رابطه به سیاست و اقدام روس ها در منطقه ماوراءالنهر چنین اظهار می دارد؛ «هر گاه روس ها در خراسان استقرار یابند ... سراسر سرحدات غربی افغانستان در معرض حمله و نفوذ واقع خواهد گردید. بعلاوه او در سیستان با قسمتی از خاک بلوچستان که هنوز سرنوشت مالکیت آن روشن نیست و مورد اختلاف است.» (کرزن، ۱۳۸۷: ۲۹۵) بنابر این از اظهارات کرزن چنین بر می آید، که قبل از رسیدن روس ها به خراسان باید مرزهای سیستان و بلوچستان را تعیین و تکلیف کرده و اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند. از دهه ۱۸۳۰ م به بعد در انگلستان طرح مسئله شرق در برابر توسعه طلبی های روسیه ریخته شد؛ که در آن ایران به عنوان سرزمین حایل در برابر فزون خواهی روسیه به هندوستان، از اهمیت استراتژیکی برخوردار گردید. (فوران، ۱۳۷۸: ۱۷۲) شرایط بین المللی روس ها در این زمان نسبت به انگلیس مستحکم تر می شود؛ زیرا با اصلاح رابطه پترزبورگ و برلین در سال ۱۸۸۴ م موقعیت روس ها در غرب استوار تر می گردد. (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۷۷) توسعه طلبی های روس در شرق، موجب اتحاد انگلیس با ژاپن شد، ژاپن در جنگ با روسیه با حمایت انگلیس به پیروزی رسید. این اگرچه به ظاهر مربوط به خاور دور بود. اما برای خاورمیانه نتایج همه جانبه ای را در بر داشت. (همان: ۳۶۷) زیرا انگلیسی ها با توجه به شرایط روس ها در شرق در این زمان برنامه خود را مبنی بر ایجاد حفاظ امنیتی برای هند به منظور بر آوردن منافع خود در آنجا، دست به تحولات مرزی شرق ایران از جمله آن در بلوچستان اقدام کرد.

### تقسیم بلوچستان

کلات در جنوب شرقی ایران، در منطقه بلوچستان واقع شده و تا سال ۱۸۶۹ م جزئی از سرزمین ایران بود؛ اما از سال ۱۸۵۴ م تحت الحمایه دولت انگلیسی هند قرار گرفت. (غراب، ۱۳۶۴: ۱۳ و ۱۴) از این زمان به بعد با آمدن سر فردریک گلداسمیت که مأمور کشیدن خطوط تلگراف در مرزهای شرقی ایران بود، با خداداد خان که جانشین ناصر خان حاکم کلات، طرح دوستی ریخت و به شرط حفظ امنیت متصرفات و منافع انگلیس به آن کمک مالی کرد. از آن پس است که حاکم کلات از زیر نفوذ ایران خارج شد. (ولایتی، ۱۳۷۵: ۹۹) به هر حال سایکس نماینده انگلیس تعیین و تکلیف مرزهای شرقی ایران را در رابطه با خط تلگراف برای چگونگی اجرای آن طرح به زعم خود دلیلی موجه

برای تقسیم بلوچستان می‌داند؛ «در موقع امتداد سیم تلگراف هندوستان، لازم بود معلوم شود که قطعه اراضی واقع در سرحد ایران متعلق به کدام دولت است و راجع به آن با چه مملکتی باید داخل مذاکره شد. از همین نقطه نظر سرفردریک گلداسمیت به این صفحات رفت و بالنتیجه خط سرحدی از کوهک تا دریا را معین نمود.» (سایکس، ۱۳۷۹: ۲۶۲) این در حالی بود، که قبل از اینکه کمسیون تعیین مرزی ایران تشکیل شود. قرارداد هایی برای حفظ سیم تلگراف با رؤسای طوایف بلوچ توسط گلداسمیت بسته شده بود. همین قرارداد ها و بده بستان ها، موجب شد، دولت انگلیس به خود حق دهد تا از حاکم کلات در برابر دولت ایران حمایت کند. (محمود، ۱۳۲۹: ۶۵۹)

با تمام این تفاسیر به نظر می‌رسد سایکس در رابطه با خط تلگراف مغلظه می‌نماید، دلیل غیر موجه را برای تعیین مرزهای ایران اعلام می‌دارد. درحالی که دشمنی انگلیسی ها نسبت به ایران و یا مهربانی و دوستی آن با افغان ها و بلوچ ها نبود، که قسمت هایی از بلوچستان و سیستان را از خاک ایران جدا کرد. مقصود اصلی آن حفظ مرزهای هندوستان بود. (همان: ۷۳۷) سایکس که تا قبل از تعیین حدود مرزی در بلوچستان دم از مذاکره با کدام یک از مملکت برای قرار گرفتن خط تلگراف خودشان سخن به میان می‌آورد؛ اما بعد از برگزاری کمسیون اول، تحت عنوان بلوچستان انگلیس را پیش می‌کشد؛ «تاریخ بلوچستان انگلیس را تا حال کسی بطور مشروح به رشته تحریر نکشیده است.» (سایکس، ۱۳۷۹: ۲۷۱) در نتیجه کشیدن خط تلگراف برای تعیین حدود مرزی بلوچستان بهانه ای بیش نبود، تا از این طریق یک سپر دفاعی دیگر بعد از جدایی افغانستان، برای حفظ مرزهای هند ایجاد نماید. البته در این زمان حضور نماینده خان کلات در این کمیسیون مرزی نشان از نداشتن اقتدار و مشروعیت دولت ایران در اذهان عمومی و خان های آن منطقه بود.



موقعیت جغرافیایی کلات بلوچستان نسبت هند. (my great quetta adventure mehim)

#### کمسیون مرزی با سرپرستی گلداسمیت

تا سال ۱۸۶۲ م خط دفاعی برای حفظ هندوستان منطقه ای که مطابق طرح انگلستان تعیین تکلیف قرار نگرفته، ناحیه بلوچستان بود. ( سالار بهزادی، ۱۳۷۲: ۱۲۱) در دوره ناصرالدین شاه دولت انگلیس برای احداث سیم تلگراف از کراچی تا جاسک با حکومت ایران مذاکره کرد؛ بنابر این در سال ۱۸۶۰م یک عده از جمله گلداسمیت (Goldsmith) مأمور سیم کشی در سواحل بلوچستان بین کراچی و جاسک وارد شدند. گلداسمیت و دولت انگلیس به مسائل بلوچستان علاقمند گردید و با حمایت انگلیسی ها خان کلات موقعیت خود را استوار کرد، در این شرایط مصمم برای خارج کردن خود از زیر نفوذ ایران دید. با توجه به مسلح کردن عده ای از بلوچ های کلات توسط انگلیسی ها، باعث نا امنی منطقه شدند. در پی آن سیم کش ها و مأموران تلگراف از دولت ایران خواستند تا آن ها را سرکوب نماید. زمانی که دولت ایران تصمیم به سرکوبی آن ها گرفت، انگلیسی ها مانع آن شدند. به بهانه اینکه با تنبیه آنان نا امنی بیشتر خواهد شد و اظهار نمودند، بهتر است انگلیس بین دولت ایران و بلوچ های کلات حکم واقع شود تا امنیت محقق پیدا کند. ( محمود، ۱۳۲۹: ۷۱۶) همچنین آن دولت پیشنهاد تعیین مرزی

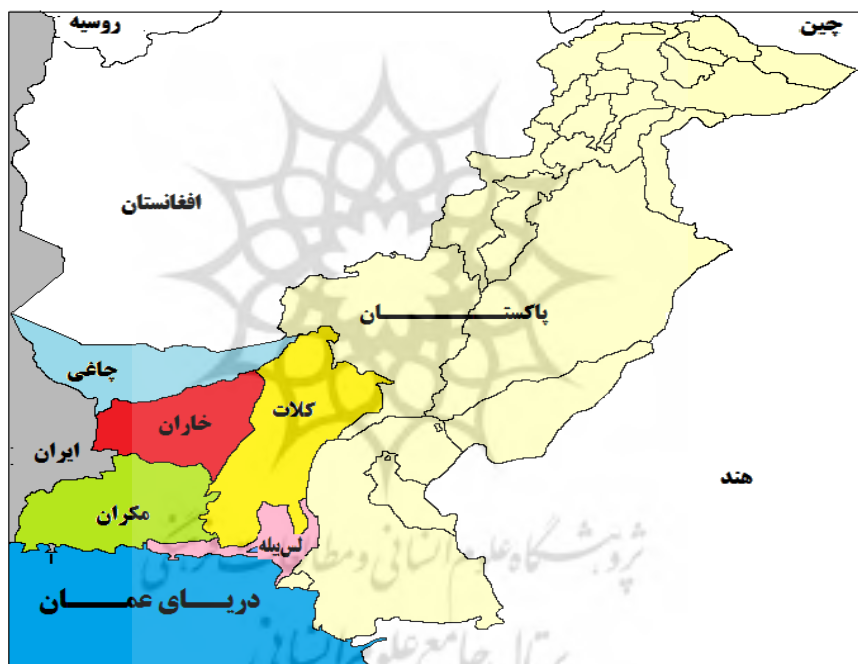
بین هند و ایران را داد. (همت، ۱۳۷۰: ۱۰۱) بنابراین دولت انگلیس که خود از بانیان این مشکل بود، در پایان خویش را در مقام مصلح برای حل آن مسئله قرار داد. آن دولت سعی داشت تا شورش های نیابتی ایجاد کند و از این طریق به مطامع استعماری خود دست یابد. همان طوری که بعداً با دست اندازی شیرعلی خان حاکم افغان به مرزهای ایران با حمایت انگلیس، جدایی بخشی از سیستان را از سرزمین ایران باعث شد. دیگر اینکه قبول حکمیت انگلیس را نیز باید نتیجه ترس افراد دولت ایران نسبت به انگلیس دانست. به نظر می رسد خان کلات ترجیح می دهد زیر سیطره انگلیس قرار گیرد تا زیر تابع دولت ایران، از این منظر حضور نماینده خان کلات در کمیسیون تعیین مرز بلوچستان قابل توجیه می شود.

دولت انگلیس سر فردریک گلداسمیت را از طرف خود در کمیسیون تعیین مرزی ۱۸۷۰ م حکم قرار می دهد. نماینده دولت ایران میرزا معصوم خان بود. از طرف خان کلات فقیر محمدخان در گواتر حاضر شدند. در نتیجه بحث و مشاجره، نماینده انگلیس به عنوان حکم نظر خود را داد که مرز ایران از یک نقطه در مشرق گواتر تا کوهک را معین کرد. (سایکس، ۱۳۶۶: ۵۱۹) ناصرالدین شاه نقشه گلداسمیت را پذیرفت، ولی خواهان بخشی از کوهک و اسپندک که در محدوده کلات قرار داشت بود؛ که باید داخل مرز بلوچستان ایران قرار می گرفت. اما گلداسمیت نپذیرفت. وزیر امور خارجه ایران میرزا سعید خان این مسئله را در سال ۱۸۷۱ م به سفارت انگلیس اعلام کرد و همچنان خواهان الحاق دو نقطه یاد شده به بلوچستان ایران بود. (جهانیان، ۱۳۳۸: ۸۸ و ۸۹) خصوصیتی که ابراهیم خان حاکم بلوچستان با کمیسیون مرزی گلداسمیت داشت. کار کمیسیون به کندی پیش رفت، تا اینکه اسمیت به گوادر (نباید با گواتر اشتباه گرفت) رفت و پس از بازدید نقشه برداری کرد. پس از عزیمت گلداسمیت، ابراهیم خان با فعالیت خود کوهک را گرفت؛ اما دولت انگلیس انضمام آن را به ایران به رسمیت نشناخت. (سایکس، ۳۶۶: ۵۲۳) همچنین دولت ایران خواسته خود را دنبال کرد، تا اینکه در سال ۱۸۸۴ م دولت انگلیس به جدا شدن کوهک و اسپندک از کلات رضایت داد که واگذاری قطعی آن به ایران سالها به تعلیق افتاد و در کمیسیون مرزی دوم ۱۸۹۵ م قضیه مورد رسیدگی قرار گرفت. (جهانیان، ۱۳۳۸: ۳۹ و ۴۰)

### کمیسیون دوم

پس از اختلاف نظر و نارضایتی حاکم بلوچستان ابراهیم خان، اعتراض و اصرار دولت ایران از نتایج کمیسیون تعیین مرزی گلداسمیت نسبت به تملک منطقه کوهک و اسپندک، دولت انگلیس در سال ۱۸۹۵ م به تشکیل کمیسیون مرزی دیگری برای تعیین حدود مرزی بلوچستان رضایت داد. هیئت اعزامی انگلیس در کمیسیون مرزی دوم با سرپرستی

کلنل هولدیخ (Colonel Hvlidykh) که سایکس (Sykes) نیز عضو آن بود و هیئت ایران به سرپرستی اسدالدوله برگزار شد. اولین عملیات کمسیون در ماشکید، شرق کوهک است، نقطه گذاری کردند. پس از آن به اسپندک که در چند کیلومتری کوهک بود را مشخص و به طرف جالق جهت تعیین و تکلیف نقاط مورد اختلاف رو رفع کردند. بعد از حل اختلاف مرزی در این کمسیون، حاکمیت مرزی ایران بر مناطقی چون کوهک، اسپندک، کناربست و بخش غربی رود ماشکید را به رسمیت شناخت. با حل اختلافاتی که در بعضی از مفاد کمسیون اول بود، مرز جنوب شرقی ایران از کوه ملک سیاه تا شرق گواتر تعیین گردید. (سایکس، ۱۳۷۹: ۲۶۴)



نقشه: مناطق جدا شده از ایران توسط انگلیس با همراهی خان کلات. (پیشگاهی فر و کوهشاهی فر، ۱۳۹۳: ۶۴)

بنابر این عواملی که باعث شد تا دولت انگلیس در نتایج کمسیون اول تجدید نظر کند و کمسیون دوم را برای این منظور برگزار نماید. ترس از تصرف قسمت هایی بود، که تعیین حدود نشده بود. نگرانی انگلیسی ها از تصرف کوهک توسط ابراهیم خان حاکم بلوچستان ایران و نواحی اطراف آن است. (ملکشاهی، ۱۳۸۷: ۲۱۱)

**پیامدهای تقسیم بلوچستان**

در هر صورت تقسیم بلوچستان را با توجه به مقتضیات زمانی از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی که در فضای بین‌المللی در شرف رخ دادن بودند، تحت شرایط جبر سیاسی به ایران تحمیل شد و خواه نا خواه نتایجی را برای ایران و منطقه بلوچستان در پی داشت.

۱- به نظر می‌رسد مهم‌ترین پیامد تقسیم بلوچستان، از دست رفتن بخشی از خاک ایران است. که در نتیجه قربانی سیاست‌های استعماری انگلیس برای ایجاد سپر دفاعی جهت ایجاد امنیت در مرزهای هندوستان بود.

۲- تقسیم بلوچستان به نحوی صورت گرفت که اقوام و طوایف بلوچ در سه کشور؛ ایران، پاکستان و افغانستان پراکنده شدند و همین امر موجبات مسائل متعددی را فراهم می‌آورد. (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۱۳۱)

۳- با تحت‌الحمایگی خان کلات که قبل و پس از کمسیون مرزی، که بعد از آن زمان، آن منطقه بلوچستان انگلیس نام گرفت و ایجاد کنسولگری توسط سایکس در سال ۱۸۹۴ م در کرمان، برای پیش برد اهداف استعماری خود می‌توانستند کنترل و نفوذ بیشتری بر بلوچستان ایران اعمال کنند.

۴- مسئله پناهندگی نیروهای گریز از مرکز، پس از اغتشاش و قتل و غارت می‌باشد؛ که سایکس یک مورد را بیان می‌کند، شهادت به عده‌ای از مأمورین تلگراف حمله نموده، پنج نفر از آن را اسیر گرفته بود. در سال ۱۸۹۰ م سرگرد مویر در صدد دستگیری آن بر آمد در نتیجه درگیری یک نفر از افراد مویر را کشته به بلوچستان ایران می‌گریزد تا اینکه در سال ۱۸۹۵ م سایکس که در کرمان مأموریت داشت آن را دستگیر می‌نماید. (سایکس، ۱۳۷۹؛ ۲۷۲).

### نتیجه‌گیری

سیاست‌های استعماری انگلیس اگرچه در تقسیم بلوچستان تأثیر عمده را داشت ولی نباید از ناکارآمدی سیاست‌مداران دوره ناصرالدین شاه چشم‌پوشی کرد. که در مسائل مهم مرزی حکمیت را به انگلیس واگذار کردند و نسبت به منطقه بلوچستان توجه و اهمیت چندانی قائل نبودند. دیگر مسئله‌ای که در تقسیم بلوچستان مزید بر علت شد، خان کلات در آن منطقه تحت‌الحمایه انگلیس می‌شود و خود را وابسته به آن دولت می‌داند بجای اینکه خود را وابسته به دولت ایران بداند. بنابراین در صورت ایجاد وابستگی و دل‌بستگی خان‌های بلوچستان در آن دوره به دولت و سرزمین ایران، همان‌طور که ابراهیم خان حاکم بلوچستان در آن دوره عمل کرد، در این صورت تقسیم بلوچستان با این راحتی به وقوع نمی‌پیوست. در نتیجه تقسیم بلوچستان و جدا شدن سایر مناطق از خاک ایران، علاوه بر اهداف امنیتی، اقتصادی و استعماری انگلیس که در آن دخیل بود. به نظر می‌رسد ضعف اقتصادی، نظامی و سیاسی حکومت ایران در آن زمان نقش اصلی

را در این مسئله داشت. همچنین روس ها به طور غیرمستقیم در تقسیم بلوچستان تاثیر داشتند، زیرا انگلیس از ترس نزدیک شدن روس ها به مرزهای شرقی هند، انگلیس طرح جدایی افغانستان و تقسیم بلوچستان و سیستان از ایران را برای ایجاد سپر دفاعی جهت حفظ هندوستان، سود آور ترین مستعمره را در دستور کار خود قرار می دهد.

از مسائل دیگر که نقش مؤثری در تحولات مرزی بلوچستان داشت، محیط اجتماعی، شرایط مذهبی متفاوت نسبت به سایر مناطق ایران و موقعیت جغرافیایی هم مرز با هند که مستعمره انگلیس بود، علاوه بر این ها گرایش های جدایی طلبی خان کلات در بلوچستان آن را دامن می زد. البته بی توجهی دولت ایران نسبت به آن ناحیه از نظر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در به وجود آمدن تنش های مرزی با خان کلات که کنترل کمی بر آن داشت، مؤثر بود. اگر چه دولت ایران در دوره ناصری در مقابل انگلیس به عنوان حامی خان کلات در مقام ضعف قرار داشت، اما در مدیریت تنش های مرزی بلوچستان راهبردهای مناسبی را از مدت ها قبل در پیش نگرفته بودند. چرا؟ چون بلوچستان با وجود وسعت زیادی که در آن زمان داشت، نماینده حکومت مرکزی ایران از کرمان، آن را اداره می کرد.

## فهرست منابع

### کتاب ها

۱. امانت، عباس، (۱۳۸۳)، قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه.
۲. آدمیت، فریدون، (۱۳۶۲)، امیرکبیر و ایران، خوارزمی، تهران.
۳. بیانی، خانابا، (۱۳۷۵)، پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، ج ۲، تهران، علم.
۴. تاج بخش، احمد، (۱۳۶۲)، سیاست های استعماری روسیه تزاری و انگلستان و فرانسه در ایران، بی جا، اقبال.
۵. جهانبانی، امان الله، (۱۳۳۸)، سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن، تهران، ارتش.
۶. سالار بهزادی، عبدالرضا، (۱۳۷۲)، بلوچستان در سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۷۷ ه.ق، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمودی افشار.
۷. سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۶)، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی داعی گیلانی، ج ۲، تهران، دنیای کتاب.

۸. .... (۱۳۷۹)، ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه.
۹. سپاهی، عبدالودود، (۱۳۷۲)، بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۷۷ قمری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۰. غراب، کمال‌الدین، (۱۳۶۴)، بلوچستان یادگار مطرود قرون، تهران، کیهان.
۱۱. فوران، جان، (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
۱۲. کاظم‌زاده، فیروز، (۱۳۵۴)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، فرانکلین.
۱۳. کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۸۷)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۴. لسان‌الملک سپهر، محمدتقی، (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ، ج ۳، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
۱۵. لیتن، ویلهلم، (۱۳۶۷)، ایران از نفوذ تا تحت‌الحمایگی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، معین.
۱۶. محمود، محمود، (۱۳۲۹)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ج ۳، تهران، چاپخانه نقش جهان.
۱۷. نیکبختی، سعید، (۱۳۷۴)، آهنگ بلوچستان، بی‌جا، هامون.
۱۸. وزارت خارجه، (۱۳۵۰)، مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشیان تا عصر پهلوی ۵۵۹ ق.م تا ۱۹۴۲ م، تهران، وزارت خارجه.
۱۹. ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۷۵)، تاریخ روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین‌شاه شاه و مظفرالدین‌شاه، انتشارات وزارت خارجه.
۲۰. همت، محمود، (۱۳۷۰)، تاریخ بلوچستان، بی‌جا، گلی.

#### پایان نامه

۱. کریمی پور، یدالله، (۱۳۷۱)، تحلیل ژئوپولتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، راهنما میرحیدر مهاجرانی، تهران، تربیت مدرس.

#### مقاله ها

۱. پیشگاهی فر، زهرا، مهدی کوهشاهی فر، (۱۳۹۳)، تبیین عوامل موثر در بحران زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان، جغرافیا و توسعه، س ۱۲، ش ۳۶.



۲. حیدری، محمد، (۱۳۹۱)، سهراب انعامی علمداری و فرهاد فتاحی، ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳، سال س.
۳. شه بخش، عظیم، (۱۳۷۷)، مرزهای بلوچستان، مجله گفتگو، شماره ۱۲.
۴. مرادی، مسعود، (۱۳۹۳)، مهدی وزین افضل و معصومه صاحبکا، اداره بلوچستان از کرمان، پیام بهارستان، دوره ۲، س ۵، ش ۱۹.
۵. ملکشاهی، هاشم، (۱۳۸۷)، انگلیس و جدا کردن بلوچستان از ایران، تاریخ معاصر ایران، س ۱۲، ش ۴۵.

آدرس اینترنت:

-Is Britain complicit in human rights violations in Balochistan?  
-my great quetta adventure mehim.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی